

# بررسی و تحلیل انتقادی مقالات پرکارترین سعدی پژوهان

(سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵)<sup>۱</sup>



اشاره

آنچه در پی می آید، بخش های بازنویسته شده ای از رساله تحصیلی دوره کارشناسی ارشد نگارنده است که با موضوع «بررسی انتقادی کارنامه دهساله سعدی پژوهی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵)» به انجام رسیده است. در این دوره دهساله، تعدادی از نویسندگان و سعدی پژوهان بیش از یک مقاله نوشته اند که کاووس حسن لی، سعید حمیدیان و اصغر دادبه، هر یک با شش مقاله، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. هدف این نوشته، بررسی نوشته های این سعدی پژوهان، به گونه ای انتقادی و گذراست.

\*\*\*

## ۱. کاووس حسن‌لی

در میان کسانی که در سال‌های اخیر به سعدی و آثارش پرداخته‌اند، دکتر کاووس حسن‌لی نامی آشنا دارد. او که شاعر و پژوهشگری نکته‌سنج و سخن‌شناس است، تاکنون افزون بر کتاب‌هایی سودمند درباره سعدی، از جمله فرهنگ سعدی پژوهی، با شیوه بسیار سودمند توصیفی - تحلیلی که در کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی در انداخته است، سلسله موی دوست، ورق درخت طوبه، سعدی آتش‌زبان و شیرین‌تر از قند، مقاله‌هایی نیز در کارنامه سعدی پژوهی خویش ثبت کرده است. این شش مقاله، به ترتیب الفبا، عبارتند از:

### ۱-۱. چهره سعدی در آینه‌های موجدار

در آغاز این مقاله، مقدمه‌ای درباره بازتاب شخصیت راستین نام‌آوران بزرگ در آینه آثارشان و ضرورت توجه به همه آفریده‌های یک سخن‌سرا برای داوری شایسته درباره اندیشه‌های او آمده است و پس از آن، شش نمونه از داوری‌هایی که تنها با نگاهی گذرا به گوشه‌ای از آثار سعدی، در پیوند با او روا داشته‌اند، یاد شده است. این داوری‌ها، که درباره اعتقاد سعدی به قضا و قدر، جبر و اختیار، تربیت در دیدگاه سعدی و تناقض در سخنان اوست، از مقاله‌های زیر برگرفته شده است:

سعدی و قضا و قدر (مهدی محقق)، سعدی و حسن و قبح افعال (احمد احمدی)، نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش (محمدحسین سروری)، اندیشه‌های اجتماعی سعدی (علی محمد حاضری)، نگاهی جامعه‌شناختی به سعدی (جواد یوسفیان) و جمعیت در آثار سعدی (ارژنگ امیرخسروی).

نویسنده پس از اشاره به داوری‌های مطرح‌شده در این نوشته‌ها، که تنها بخشی از سروده‌های سعدی را پیش رو نهاده‌اند، با استناد به بعضی از سروده‌های دیگر سعدی، به بررسی و نقد این داوری‌ها پرداخته و تأکید کرده است: «برای داوری درست درباره اندیشه‌ها و باورهای سعدی، چاره‌ای نیست جز اینکه همه نوشته‌های او کاویده شود؛ به ویژه در سروده‌ها و نوشته‌هایی که سعدی، به روشنی از زبان خود سخن می‌راند، نه از زبان شخصیت‌های داستان‌ها و حکایت‌ها» (حسن‌لی ۱۳۷۹: ۱۴۱-۱۵۰). در پایان مقاله یادآوری شده است: «نگارنده این مقاله، هرگز بر آن نیست که در آثار سعدی، گفته‌های ناساز و متناقض نیست و همه آنچه سعدی گفته و نوشته، پذیرفتنی است؛ بلکه بر آن است که برای نشان دادن این گونه از ناسازها و

ناهمگونی‌ها و ناراستی‌ها، قلم باید با چشمی بازتر بچرخد» (حسن‌لی ۱۳۷۹: ۱۵۱).

در این نوشته، که عنوانی شایسته و درخور دارد، پس از طرح و نقد داوری‌هایی ناروا درباره سعدی، بر اهمیت و ضرورت توجه به همه آثار سعدی برای داوری درست درباره اندیشه‌ها و باورهای او، به شایستگی تأکید شده است؛ زیرا هرگز نمی‌توان با نگاهی گذرا به گوشه‌ای از نوشته‌ها یا سروده‌های کسی، ساختمان اندیشه‌های او را باز نمود.

### ۱-۲. رستاخیز سخن در بوستان

دکتر حسن‌لی در این نوشته، پس از توضیح درباره هنرنمایی سعدی در بوستان، که به خاطر چیرگی معنی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، زیبایی‌های شاعرانه بوستان را در سه بخش جداگانه با عنوان - های به‌گزینی واژه‌ها، صورت‌های شاعرانه خیال و نتیجه‌گیری‌های هنری، با استناد به نمونه‌هایی از ابیات بوستان برشمرده و توضیح داده است. مقاله با این نتیجه پایان یافته است: «چنانچه از منظر زیبایی‌شناسی، نگاهی باریک‌بینانه به زیبایی‌های لفظی و شگردهای شاعرانه سعدی در بوستان بیفکنیم، به روشنی درمی‌یابیم که او در این کتاب گرانسنگ، افزون بر آنکه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به شیرینی باز نموده است، کلام خود را نیز با آرایه‌های مناسب، به شیوایی و فریبی آراسته و با ترفندهای شایسته ادبی، در سخن خود رستاخیز ادبی برپا کرده است؛ اما زبان ساده و روان سعدی، آن‌گونه کمال یافته که آرایه‌های ادبی را زیر سایه خود درآورده و از خودنمایی آنها پیشگیری کرده است. از همین روی است که ویژگی "سهل ممتنع" برای سخن سعدی، آوازه جاودانه یافته است» (حسن-لی ۱۳۸۱: ۸۳).

بررسی زیبایی‌شناسانه آثار سعدی که به دلیل چیرگی معنا در آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته است، یکی از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین موضوعاتی است که پرداختن به آن می‌تواند رویکردی نو به آثار سعدی به شمار آید و تحولی اساسی در کارنامه سعدی پژوهی پدید آورد.

در این نوشته، کوشش شده است برخی از زیبایی‌های شاعرانه بوستان باز نموده شود تا تأکید گردد که سعدی با آنکه بلندترین مضمون‌های معنوی و ژرف‌ترین نکته‌های اجتماعی را باز می‌گوید، از دیدگاه هنری و زیبایی‌شناسی نیز به عنوان «استاد مسلم سخن» بر ستیغ شعر فارسی ایستاده است.

### ۱-۳. سعدی پژوهی در سده چهارده هجری: بررسی انتقادی رویکردهای سده چهارده به سعدی و آثار او

این مقاله، که بخشی از رساله دکتری نویسنده است، با توضیح درباره پژوهشی که در قالب این رساله انجام گرفته، آغاز شده است و با مقدمه‌ای درباره جایگاه بلند سعدی در ادب فارسی، ضرورت معرفی همه نوشته‌هایی که در پیوند با سعدی منتشر گردیده و یادکرد دیدگاه‌های برخی از اهل قلم درباره جایگاه و شخصیت سعدی، ادامه یافته است. نویسنده همچنین در گفتاری زیر عنوان «نگاهی به سعدی پژوهی در آینه رساله حاضر»، پس از تأکید بر ضرورت تهیه اثری که معرفی همه نوشته‌های میدان سعدی پژوهی را در بر گیرد، ساختار رساله را که چنین هدفی را دنبال می‌کند، توضیح داده است. در این رساله، نوشته‌های در پیوند با سعدی، در دو بخش مقاله‌ها و کتاب‌ها، به گونه‌ای انتقادی بررسی شده‌اند و نتایج بررسی مقالات، از دو دیدگاه زمانی و موضوعی در ادامه این بخش آمده است. همچنین سه اثر درباره سعدی که پیش از آغاز سده چهاردهم منتشر شده، معرفی گردیده است. گزارشی از وضعیت کتاب‌های منتشرشده در پیوند با سعدی در سده چهاردهم، که مهم‌ترین کتاب‌ها را در هر دهه (از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵) معرفی می‌کند، به همراه شش جدول و شش نمودار که توزیع زمانی مقاله‌ها و کتاب‌ها و نیز تعداد رویکرد به آثار سعدی را نشان می‌دهند، نیز این نوشته را کامل کرده است.

این مقاله، گزارشی است از چگونگی انجام و نتایج یکی از گسترده‌ترین پژوهش‌هایی که تا کنون در پیوند با سعدی منتشر شده است، که در آن بیش از ۷۰۰ مقاله و نزدیک به ۱۵۰ کتاب که رویکردهای سده چهاردهم به سعدی و آثار اوست، کاویده شده است. این رساله در سال ۱۳۸۰، به همت مرکز سعدی‌شناسی و با همکاری بنیاد فارس‌شناسی، در قالب کتاب فرهنگ سعدی پژوهی منتشر گردید و در سال ۱۳۸۱ عنوان «کتاب سال سعدی» را به خود اختصاص داد.

### ۱-۴. سعدی در نگاه سخن‌سرایان

سعدی، یکی از نامدارترین سخن‌سرایان جهان است که بسیاری از اندیشمندان را به ستایش واداشته و بر اندیشه و شعر بسیاری از شاعران ایرانی و غیرایرانی اثری آشکار گذاشته است. در این نوشته، نمونه‌هایی از علاقه، ارادت و تحسین و ستایش تعدادی از شاعران و اندیشمندان نسبت به سعدی بازنموده شده است. نویسنده پس از مقایسه سعدی با حافظ و مولانا از دیدگاه پیوند و ارتباط آنها با مردم جامعه و توضیح درباره علاقه و ارادت شاعرانی چون سیف فرغانی، همام تبریزی و نزاری قهستانی نسبت به سعدی، نمونه‌هایی را از ستایش‌های برخی از سخنوران کشورهای دیگر از سعدی نقل کرده است؛ از جمله: کنتس دونوآی، گی یو دوسه، گوته، رالف والدو امرسون،

جان خوئین و ...

### ۱-۵. شگردهای هنری سعدی

دکتر حسن‌لی در این نوشته ضمن تأکید بر ضرورت بازشناسی ادب و فرهنگ گذشته و یادآوری افتخارات پیشین برای بهره‌گیری و توشه‌برداری، به توضیح درباره سادگی متفاوت شعر سعدی، که سخن او را تقلیدناپذیرترین نوع سخن فارسی کرده، پرداخته است: «سادگی بیان، از ویژگی‌های شعر غنایی است... اما سادگی شعر سعدی، گونه‌ای دیگر است... یکی از دلایل این سادگی، درنگ بایسته در فرهنگ مردم و همزیستی اجتماعی سعدی است... عروس سخن سعدی، بدون یاری گرفتن از آرایه‌های ادبی، زیباست؛ زیرا سخن او اصالتاً هنری است و اصالت هنری سخن او آنقدر مایه‌ور است که نیازی به لوازم آرایش ندارد» (حسن‌لی ۱۳۸۲: ۷۴-۷۵). ایشان افزون بر یادکرد مطلع‌ها و ابیاتی از غزل‌های سعدی «که تقریباً از همه آرایه‌های ادبی مرسوم تهی است»، بعضی از ابیاتی را که «سعدی آنها را با ترفندهای ویژه هنری آراسته و با گونه‌هایی از آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی، در سخن خود رستخیز ایجاد کرده است» یاد کرده و توضیح داده است (حسن‌لی ۱۳۸۲: ۸۰-۷۷).

زیبایی‌شناسی آثار سعدی، یکی از بایسته‌ترین موضوعات در میدان سعدی‌پژوهی است که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود؛ اما در این نوشته، به دو عاملی که زیبایی شعر سعدی را موجب می‌شوند، اشاره شده است. زیبایی بخش عظیمی از سخن سعدی در گرو اصالت هنری آن است که حتی بدون بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی مرسوم نیز جلوه می‌کند و در مقابل، بعضی از ابیات سعدی به دلیل استفاده از ترفندهای ویژه هنری، زیبایی‌دلپذیری دارند. برای نشان دادن این دو ویژگی، نمونه‌هایی در این نوشته یاد شده است.

### ۱-۶. عبدالعلی دستغیب با سعدی چه کرده است؟

انتشارات دانستنسرا، کتاب عیار نقد در آینه، یادنامه عبدالعلی دستغیب را به پاس بیش از پنج دهه تلاش پیگیر و کوشش پربار او، در سال ۱۳۸۳ منتشر کرده است. این مقاله، یکی از بیست و دو نوشته‌ای است که تعدادی از چهره‌های فرهنگی و ادبی درباره دستغیب نوشته‌اند. دکتر کاووس حسن‌لی در نوشته خود، گزارشی از کارنامه نوشتاری دستغیب در پیوند با سعدی ارائه کرده و مقاله‌هایی را که به گونه‌ای مستقل به سعدی اختصاص یافته، واکاوی نموده است. ایشان برخی از داورهای قابل تأمل دستغیب درباره سعدی را برشمرده و بر اعتدال اندیشه این منتقد نام‌آشنا و پرکار تأکید کرده است.

\*\*\*\*\*

انتخاب موضوعات تازه، نگاه نو و زیبایی‌شناسانه، نثری موجز و ویرایش‌شده، پرهیز از یکسونگری و تکرار گفته‌های دیگران، از ویژگی‌های ارزشمند نوشته‌های دکتر حسن‌لی به شمار می‌آید.

## ۲. سعید حمیدیان

دکتر سعید حمیدیان نیز در دوره دهساله (۸۵-۷۶) با آفرینش شش مقاله ارزشمند درباره سعدی و آثارش، حضوری مؤثر و ماندگار در میدان سعدی پژوهی داشته است. کتاب سعدی در غزل، نوشته دکتر حمیدیان نیز یکی از پژوهش‌های شایسته‌ای است که در پیوند با غزلیات سعدی انجام گرفته و نشر قطره در سال ۱۳۸۳ آن را منتشر کرده است. در ادامه، شش مقاله ایشان را به گونه‌ای گذرا بررسی می‌کنیم:

### ۱-۲. بازی نور و سایه در غزل سعدی

استفاده سعدی از شگردهای هنری و آرایه‌های ادبی، دستمایه نوشته‌ها و پژوهش‌های گوناگونی بوده که در همه آنها بر هنرمندی و توانایی سعدی در به کار بردن آن شگردها و آرایه‌ها تأکید شده است. در این نوشته، شگردی هنری که سعدی برای نخستین بار در سنت غزل عارفانه به کار گرفته و نویسنده آن را «بازی نور و سایه» نامیده، معرفی شده است: «سعدی، در تعدادی چشمگیر از غزل‌هایش واژه‌هایی چون آدمی، آدمی‌زاده، انسان، کودک، فرزند، جگرگوشه و غیره را، نه به عنوان نماد یا رمز برای چیزی دیگر، بلکه به همان معنای متعارف این‌گونه الفاظ به کار می‌برد و مقصود اصلی او نیز ایجاد نوعی پیوند یا وحدت میان معشوق انسانی و عرفانی یا میان مخلوق و خالق است. سعدی از این آمیختگی بین آدم و فرآدم به عنوان نوعی ابهام‌آفرینی در وجه هنرمندانه سود می‌جوید و لاغیر. او در یک غزل واحد، گاهی معشوق را به صراحت با واژه‌های یادشده، یعنی به صورت انسان و بشر و شخص و به هر حال دارای پیکر و ویژگی‌های انسانی می‌خواند؛ لیکن به محض اینکه خواننده شعر به این تصور می‌افتد که او چیزی به جز همین موجود بشری نیست، در بیتی دیگر از همان غزل، این محبوب را از تمامی صفات و تعینات انسانی تنزیه و تقدیس می‌کند تا جای هیچ‌گونه شبهه‌ای در ماهیت این معشوق آسمانی و ازلی باقی نماند. این، همان چیزی است که من رفت و برگشت از انسان و فرانسان به یکدیگر، یا بازی نور و سایه در غزلی واحد می‌نامم. . . . وقتی در متجاوز از سی غزل سعدی، یک چنین شیوه‌ای مشاهده می‌شود، مسلماً باید آن را نوعی تمهید و شیوه آگاهانه و سنجیده از جانب شاعر دانست» (حمیدیان ۱۳۸۴: ۸۴-۸۵). در ادامه، نمونه‌هایی از به کار بردن شگرد «بازی نور و سایه» در غزل سعدی، با تأکید بر عارفانه بودن این غزل‌ها و نیز سرایش آنها با طرحی پیشینی و کاملاً سنجیده، نه به صورت ارتجالی، آمده است. پرهیز از کلی‌گویی و درازنویسی، بازیافت نمونه‌های کافی و توضیحات سودمند، بر ارزش مقاله افزوده است.

### ۲-۲. دو سه نکته بر شروح سعدی

این نوشته کوتاه، بازنوشته سخنرانی دکتر حمیدیان است که در آن، با گرامی‌داشت یاد دکتر غلامحسین یوسفی، به پاس



اهتمام خاص ایشان به سعدی و سعدی پژوهی، به ویژه تصحیح عالی بوستان و گلستان، به توضیح معنای «به جاه» در باب اول گلستان و اوایل بوستان و «آتش پارسی» در بیتی از بوستان پرداخته است: «به جاه، معادل همان است که در متون قدیم "به اقبال" (یا "از اقبال")، "به بخت" و امثال اینها به کار رفته و امروز در اصطلاح عامه، چیزهایی از قبیل "از دولت سر"، "به برکت وجود"، "از سایه سر" و جز اینها گفته می‌شود ... در بیت "نرنجم ز خصمان اگر برتپند/ کز این آتش پارسی در تبند"، آتش پارسی به معنای تبخال است و در این بیت کلماتی چون "برتپند" و "در تبند" مؤید همین معنی است. . .» (حمیدیان ۱۳۷۹: ۲۰۱-۲۰۳).

معنایی که نویسنده برای «به جاه» ارائه کرده، پذیرفتنی است؛ اما ایشان به نظر دکتر یوسفی درباره این اصطلاح، تنها در بوستان اشاره کرده و آن را دقیق و درخور ندانسته است؛ در حالی که شادروان یوسفی در توضیحات گلستان، که پس از تصحیح بوستان منتشر کرده است، «به جاه» را «به مدد مقام و منزلت» معنا کرده‌اند که تا حد زیادی به آنچه در این نوشته اظهار شده (از دولت سر، به برکت وجود و . . .) نزدیک است. (ر.ک: سعدی شیرازی ۱۳: ۲۷۵).

دکتر سعید حمیدیان که آثار ارزشمندی از ایشان در پیوند با سعدی منتشر شده است، با اشاره به بیتی از بوستان (نرنجم ز خصمان اگر برتپند/ کز این آتش پارسی در تبند)، «آتش پارسی» را «تبخال» معنا کرده است. ایشان اگرچه نظر یوسفی (تشبیه سخن به آتش) را رد نکرده‌اند، اما با استناد به دو واژه «برتپند» و «درتبند» در بیت و نیز اعتقاد عامه درباره عوامل بروز تبخال (تب یا سریع از جای برخاستن)، تبخال را معنی اصلی «آتش پارسی» دانسته‌اند.

اگرچه معنای اصلی «آتش پارسی»، «تبخال» است (نگ: لغتنامه دهخدا) با توجه به تشبیه آشکار سخن به آتش در بیت قبل (مرا کاین سخن‌هاست مجلس‌فرروز/ چو آتش در او روشنایی و سوز) همچنان می‌توان معنای بیت را از شادروان یوسفی پذیرفته‌تر دانست. به عبارت دیگر، «آتش پارسی» در این بیت، کاربردی ابهامی دارد و مراد همان «سخن» است. درنگ شایسته دکتر حمیدیان در قرینه‌های لفظی در بیت موردنظر، برای بازیابی معنایی دیگر، قابل توجه است.



### ۲-۳. سعدی و ترجمه فارسی به فارسی

یکی از دلایل زیبایی و ماندگاری سخن سعدی، سادگی کم‌نظیر و تقلیدناپذیر آن است. هنگامی که سخنی از سعدی با سروده شاعران دیگری که همان مضمون را بیان کرده‌اند، مقایسه شود، اهمیت این سادگی و نقش آن در فهم و لذت بیشتر خواننده، نمایان می‌گردد. در این نوشته، ساده‌سازی یا ساده‌نمایی سعدی، «ترجمه فارسی به فارسی» نامیده شده است و آقای دکتر حمیدیان، سعدی‌پژوه نام‌آشنای معاصر، بعضی از نمونه‌های آن را در شعر سعدی نشان داده‌اند. در این ابیات که از بوستان و غزلیات انتخاب گردیده (اما نشانی ماخذ آنها مشخص نشده است) مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی، چون استغراق و استهلاک جزء در کل، ترک تعین، تقدیر عشق و ...، به کمک تصاویر ملموس و شفاف و به طور کلی با بهره‌گیری از مجموعه‌ای کاملاً متعادل و متوازن از تمامی عناصر شکلی بیان شده است. برای نشان دادن اهمیت این شیوه سعدی، مثالی از مثنوی آورده شده است که «مولانا تنها با بهره‌گیری از وزن و قافیه و ردیف، سخنی ژرف را بیان کرده که دیگر عناصر شعری را زیر سایه سنگین خود قرار داده است و به هیچ روی نمی‌تواند مصداق سهل و ممتنع باشد» (حمیدیان ۱۳۸۵: ۳۰). دکتر حمیدیان به شایستگی یادآوری کرده‌اند که «معادل‌هایی از گونه شاعرانه و تصویری برای مفاهیم و مصطلحاتی چون وحدت، کثرت، ذات، صفات و ... که جملگی از صافی اندیشه شاعرانه گذشته‌اند، در شعر سعدی می‌توان یافت» (حمیدیان ۱۳۸۵: ۳۱).

### ۲-۴. سعدی و سیف فرغانی: کامیابی و ناکامی

شیفتگی سیف فرغانی نسبت به سعدی و اثرپذیری او از سروده‌های سعدی، پیش از انتشار این نوشته نیز، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛<sup>۲</sup> اما آقای دکتر حمیدیان در نوشته خود، ضمن اشاره به برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌های سخن سعدی و شعر سیف فرغانی، گوشه‌ای از دلایل توفیق سعدی را نسبت به سیف، بازنموده است. این نوشته نشان می‌دهد که اگرچه اثرپذیری سیف فرغانی از سروده‌های سعدی گسترده و چشمگیر است، توفیق و مقبولیت او هرگز قابل مقایسه با سعدی نیست.

در این نوشته، نشانی ابیات سعدی مشخص نشده است و در نشانی ابیات سیف فرغانی (در پی نوشت) اشتباهاتی دیده می‌شود. ابیاتی از سیف فرغانی به اشتباه به دیوان سنایی غزنوی و کلیات سعدی ارجاع

داده شده‌اند (شماره‌های ۱۴-۲۱ و ۲۲-۳۲).

### ۲-۵. سنت مدیحه‌پردازی ضمن غزل و اشاره‌ای به جایگاه سعدی

این نوشته کوتاه به گونه‌ای شایسته به سنت مدیحه‌پردازی ضمن غزل پرداخته و با اشاره‌ای گذرا به سابقه آن، جایگاه سعدی در سرودن غزل مدحی را بررسی و به کوتاهی با حافظ مقایسه کرده است. مدیحه‌های سعدی پیش‌تر نیز از سوی پژوهشگران دیگر بررسی شده‌اند؛ اما آنچه امتیاز این نوشته به شمار می‌آید، پرداختن به ابیات مدحی در غزلیات سعدی است و نه در مدایح رسمی که معمولاً در قصاید آمده است. این نوشته می‌تواند مقدمه‌ای برای بررسی بیشتر و کامل‌تر مدح در غزل‌های سعدی باشد. جست‌وجو و تحلیل شیوه‌های بیانی سعدی در این گونه مدیحه‌سرایی و نقل نمونه‌های دقیق‌تر، به این بررسی کمک خواهد کرد.

چند بیتی از غزل‌های سعدی که در پایان مقاله آمده است، با متن ارتباطی ندارد و نشانی آنها نیز مشخص نشده است.

### ۲-۶. غزل سعدی: عاشقانه یا عارفانه؟

تاکنون نوشته‌های گوناگونی در بررسی گرایش سعدی به عرفان و آموزه‌های عرفانی او پدید آمده است.<sup>۳</sup> آقای دکتر سعید حمیدیان که پژوهش‌های ارزشمندی در پیوند با سعدی و آثارش انجام داده‌اند، در این نوشته، سعدی را شاعر آفاق و اهل اصالت آفاق معرفی و بر عارفانه بودن بعضی از غزل‌های سعدی (در کنار غزل‌های صرفاً عاشقانه او) تأکید کرده است. در این غزل‌ها، نشانه‌ها و اصطلاحات و تعبیرات رایج و سنتی شعر عرفانی به کار نرفته است؛ اما فضای خاص و سلسله تداومی‌ها و نهادهای شاعرانه‌ای که در آنها دیده می‌شود، به غزل رنگ و بوی عرفانی بخشیده است: «غزل‌های سعدی» را از لحاظ رابطه‌ای که با مجاز و عشق مجازی و انسانی یا عشق عارفانه دارد، به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

- غزل‌های صرفاً عاشقانه: که به هیچ روی قابلیت تأویل عرفانی را ندارند و تعداد آنها چند درصد بیش نیست.

- غزل‌های آشکار عارفانه: غزل‌هایی یا ابیاتی از غزل‌هایی است که در آنها از مصطلحات و مفاهیم سنتی تصوف یا نمادهای عارفانه رایج و جافتاده بهره‌گیری شده است ... تعداد این غزل‌ها در حدود ۳۵٪ و حداقل ۳۰٪ است.

- دسته سوم از غزل‌های سعدی ... بیشترین کمیّت و تعداد را در غزل‌ها دارند (بین ۶۰٪ تا ۷۰٪) و از حیث کیفیت، هنرمندانی و تأثیر عظیم عاطفی - تخیلی بر مخاطب، تجلیگاه اصلی و عمده هنر سعدی در غزل‌سرایی است و عارفانه‌تر از غزل‌های آشکارای عرفانی، یعنی دسته دوم ... این حالت و لحن عارفانه ... بیشتر به کمک فضا یا اتمسفری که رایحه عرفان و تأملات عارفانه با هنرمندی در غزل پخش می‌شود، حاصل می‌آید. اگر قرار باشد غزل‌های این دسته را بفشاریم و عصاره و چکیده‌ای بگیریم، تقریباً چنین خواهد بود: روح

تسلیم، تفویض مطلق اختیار، عجز و انکساری سخت لطیف در برابر محبوب آسمانی سابقه ندارد و...» (حمیدیان ۱۳۸۳: ۲۸-۳۴)  
نمونه‌های کافی و مناسبی از غزل‌های سعدی در این نوشته یاد شده است؛ اما نشانی آنها مشخص نیست.

### ۳. اصغر دادبه

دکتر اصغر دادبه، نویسنده و پژوهشگر صاحب‌نظر معاصر، که از نامداران حافظ‌پژوهی به شمار می‌آید، با نوشته‌هایی سودمند و خواندنی، در میدان سعدی‌پژوهی نیز نام برآورده است. به شش مقاله - ای که در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ از ایشان منتشر شده است، نگاهی گذرا می‌افکنیم:

### ۳-۱. ادیان در نگاه سعدی

یکی از سروده‌های بحث‌برانگیز سعدی، دو بیتی است که در دیباچه گلستان آمده است:

ای کریمی که از خزانه غیب  
گبر و ترسا وظیفه خور داری  
دوستان را کجا کنی محروم  
تو که با دشمن این نظر داری؟

درباره این بیت‌ها، تاکنون نظریات متفاوتی بیان شده است که در بیشتر موارد، آنها را بیانگر تنگنظری و پابندی متعصبانه سعدی به اشعریت دانسته‌اند.

آقای دکتر دادبه در این نوشته، پس از مقدمه‌ای در اعتراض به ناآشنایی نسل امروز با چهره‌های بزرگ ادبی، با استناد به اصول جامعه‌شناختی (واقع‌نمایی سعدی)، منطقی (حکم به اعم اغلب) و بلاغی (معنای ظاهری و باطنی سخن شاعرانه یا شعر) و با توجه به شرایط زمان سعدی، صدور چنین احکامی را در پیوند با ابیات یادشده، ناروا و مغرضانه دانسته‌اند و با توضیحات کافی و سودمند در این باره، پیام اصلی سعدی را در این دو بیت «تأکید بر حتمیت روزی و شمول کرامت» دانسته‌اند.

### ۳-۲. بوستان

بوستان سعدی، یکی از ارزشمندترین کتاب‌های اخلاقی و آموزشی است؛ به گونه‌ای که آن را «جهان مطلوب سعدی» دانسته‌اند. ارزش‌های هنری و زیبایی‌های ادبی در این کتاب با جنبه‌های اخلاقی و تعلیمی همراه شده است.

این نوشته، یکی از گسترده‌ترین پژوهش‌هایی است که به معرفی بوستان و تحلیل ادبی-هنری و حکمی - محتوایی آن می‌پردازد. آقای دکتر دادبه پس از تأکید بر ارزش‌های ادبی و هنری بوستان، این کتاب را جلوه‌گاه حکمت عملی و اخلاقی دانسته و به تحلیل و توضیح جنبه‌های مختلف حکمت نظری و عملی در آن پرداخته است. در تحلیل ادبی-هنری بوستان، از نکات زیر سخن رفته است:  
جامعیت بوستان نسبت به مثنوی‌های اخلاقی دیگر، برجستگی و

قوت بوستان از حیث لفظ و بیان و معنا در حوزه آثار ادبی و هنری، خصلت متناقض‌نمای بوستان «که از یک سو زبان ساده مردم عادی است... و از سوی دیگر به هنری‌ترین و استادانه‌ترین صورت و اعجاب‌انگیزترین وجه با اهل فن سخن می‌گوید»، توجه سعدی به فردوسی و نظامی در سرودن بوستان و مقایسه بوستان و شاهنامه. در این تحلیل به نظرات گوناگون پژوهشگران استناد شده است.

تقسیم‌بندی مقاله به بخش‌های مختلف و دسته‌بندی مطالب زیر عنوان‌های جداگانه، به فهم بیشتر و بهتر این نوشته کمک کرده است.

توضیحات کافی و دقیق علمی و استناد مستقیم و پی در پی به ابیات بوستان، از جنبه‌های سودمند این مقاله است و ارجاع دقیق به منابع و ذکر نشانی کامل آنها در پی‌نوشت، بر ارزش اسنادی مقاله افزوده است.

### ۳-۳. حکایت تناقض‌گویی‌های سعدی

در آغاز این نوشته، پس از توضیحاتی درباره تناقض، تناقض‌نمایی و معنای اصطلاحی آنها در منطق و شعر، گفتاری زیر عنوان «سعدی، تناقض‌گویی و تناقض‌نمایی» آمده که در آن، ضمن یادکرد نمونه‌هایی از تناقض‌نمایی در گلستان، بوستان و غزلیات، تناقض‌نمایی لازمه هنر شعر و سخن شاعرانه و به عنوان صنعتی دلپذیر و برجسته در شعر سعدی معرفی شده است. در ادامه، دکتر دادبه ضمن تأکید بر تفاوت تناقض‌گویی با تناقض‌نمایی، به توضیحاتی کامل و مفصل درباره معنای تناقض‌گویی (در منطق) و تناقض‌نمایی، که از مباحث مهم بلاغی - بدیعی است، پرداخته و با استفاده از سه اصل تناقض در جامعه (=منظر جامعه‌شناختی)، اصل منطقی (=منظر عقلی و هنری) و اصل بسامد (=منظر اعم اغلب)، نظر علی‌دشتی را در کتاب قلمرو سعدی در پیوند با تناقض‌گویی سعدی نقد و رد کرده است:

«عملکرد سعدی در گلستان، عملکردی جامعه‌شناختی است و تلاش او به تلاش یک جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی می‌ماند و از آنجا که جامعه‌ها و از جمله جامعه یا جامعه‌هایی که سعدی با آنها روبه‌رو بوده و در آنها زیسته، جلوه‌گاه تناقضات گوناگون است، در گلستان هم که آینه واقعیت‌های اجتماعی است، می‌توان تناقض یافت... بسیاری از گزاره‌هایی که متناقض می‌پنداریم، متناقض نیست؛ بلکه متناقض‌نماست. این امر، به‌ویژه آنگاه معنی می‌یابد که اثر، اثری ادبی باشد و گزاره‌ها، گزاره‌های هنری... و چنین است وضع گلستان، که گذشته از آنکه با نگاهی اثری جامعه‌شناختی است و با نگاهی، اثری اخلاقی، با نگاهی هم اثری است ادبی-هنری، با بیان شاعرانه، همراه با صنایع ادبی، از جمله متناقض‌نمایی (=خلاف‌آمد)... بگذراید آن‌سان که ناقدان گفته‌اند، بپذیریم که سعدی در پنج موضوع گلستان به تناقض‌گویی پرداخته است. گلستان دارای هشت باب است و مجموعاً ۲۸۹ حکایت و کلمه قصار... پنج مورد، چیزی است کمتر از ۲٪. آیا می‌توان بر اساس ۲٪ حکم صادر کرد و

### ۳-۴. حکایت چیستی زیبایی در غزل‌های سعدی (بحثی در فلسفه هزار دیدگاه سعدی)

جمال‌پرستی، یکی از ویژگی‌های مهم سعدی است که در غزلیات او نمودی روشن‌تر یافته و تاکنون درباره آن نوشته‌های مختلف پدید آمده است. «تناسب اجزا» یا «حسن ترکیب»، که در دیدگاه سعدی علت زیبایی و دلفربیی است، در غزل‌های او به خوبی نمایان و قابل بررسی است و می‌تواند یکی از دلایل زیبایی و ماندگاری غزل‌های سعدی به شمار آید.

در این نوشته، بر آگاهی سعدی نسبت به زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر تأکید شده و از دیدگاه او درباره زیبایی سخن رفته است. یادکرد نمونه‌هایی از غزل سعدی در دو بخش جداگانه، توضیحات نویسنده را کامل کرده است: «الف. ابیات افلاطونی: ابیاتی است که در آنها نظریه عرفانی - افلاطونی آشکار است. در این ابیات، به گونه‌ای بیان می‌شود که حسن و جمال و زیبایی زیارویان، پرتو زیبایی مطلق یا پرتو جمال حق است. این معنایی است که عارفان حقیقت‌بین با همه وجود می‌بینند و کوه‌نظران ظاهرنگر از آن غافل‌اند؛ ب. ابیات ارسطویی: ابیاتی که در آنها، آشکارا از چیستی هنر از دیدگاه تجربی - علمی سخن می‌رود و اعلام می‌دارد که زیبایی، یعنی "تناسب اجزا" و به تعبیر هنرمندانه سعدی، یعنی "حسن ترکیب"» (دادبه ۱۳۷۹: ۳۴-۳۶).

بخش عمده این مقاله، توضیح درباره ماهیت یا چیستی زیبایی و فلسفه هنر است و قسمت کوتاهی از آن به موضوع «زیبایی» در غزل‌های سعدی می‌پردازد؛ اما می‌تواند مقدمه‌ای برای بررسی زیبایی‌شناسانه سروده‌های سعدی نیز باشد.

### ۳-۵. سعدی، خردمندی عاشق، یا عاشقی خردمند

خردمندی و عاشقی، دو ویژگی مهم و آشکار سعدی است که در این نوشته به گونه‌ای گذرا به آنها اشاره شده است. آقای دکتر دادبه، نویسنده و پژوهشگر نامدار معاصر، سعدی را خردمندی عاشق و عاشقی خردمند معرفی کرده و او را یکی از نمایندگان برجسته «خرد عشق» نامیده است.

بخش عمده این نوشته به توضیح درباره مفاهیم و موضوعات فلسفی و عرفانی اختصاص یافته، که توضیحاتی ارزشمند برای مقدمه بحث است؛ اما مجال نویسنده را برای ذکر نمونه‌هایی از سخن سعدی تنگ کرده است.

### ۳-۶. مکتب ادبی شیراز و نقش سعدی

بی‌گمان سعدی، نخستین شاعر بزرگ و نام‌آور است که در تاریخ ادبیات فارس به ثبت رسیده است. دکتر دادبه با تأکید بر لزوم وجود عوامل و عناصری که پیدایش انسانی برجسته مثل سعدی را موجب می‌شود، فرضیه‌ای درباره عوامل زمینه‌ساز ظهور سعدی طرح نموده - اند: «پشت سر سعدی، خراسان بزرگ قرار می‌گیرد. سعدی انعکاس خراسان بزرگ در شیراز است» (دادبه ۱۳۷۸: ۱۲۱-۱۲۲).

پیش از این مقاله نیز درباره عواملی که موجب ظهور فراگیر و اثرگذار سعدی در سده هفتم شده، نوشته‌هایی پدید آمده است؛ اما این نوشته

یک بار دیگر خوانندگان خود را به درنگ شایسته در این موضوع مهم فراخوانده و برخی از عوامل ممکن را باز نموده است.

\*\*\*\*\*

دکتر دادبه در تحلیل موضوعاتی در پیوند با سخن و اندیشه سعدی، با توضیحاتی در حوزه فلسفه و منطق، نوشته‌هایی ارزشمند پدید آورده است. این توضیحات که معمولاً در مقدمه آمده است، اگرچه می‌تواند آمادگی ذهنی خواننده را موجب شود، از تمرکز بیشتر نویسنده بر موضوع و پرداختن کامل‌تر به سخن سعدی کاسته است که «حکایت تناقض‌گویی‌های سعدی»، «حکایت چیستی زیبایی در غزل‌های سعدی (بحثی در فلسفه هنر از دیدگاه سعدی)» و «سعدی، خردمندی عاشق، یا عاشقی خردمند» نمونه‌های آن است.

\*\*\*\*\*

آنچه ویژگی مشترک پژوهش‌ها و نوشته‌های این سعدی‌پژوهان به شمار می‌آید، تمرکز بر سخن سعدی و آثار اوست؛ یعنی میراث گرانبها و بی‌همتای سعدی که ماندگاری و محبوبیت نام‌شخص، بیش از هر چیز از آن مایه گرفته است. بررسی تاریخ زندگی و روزگار سعدی نیز در مطالعات میدان سعدی‌پژوهی سهمی مهم و ارزشمند دارد؛ اما پیش‌تر، کسانی به این موضوعات مهم پرداخته و به قدر کافی به این نیاز پاسخ گفته‌اند.

کاووس حسن‌لی، سعید حمیدیان و اصغر دادبه کوشیده‌اند با واکاوی سخنان سعدی و اندیشه‌هایی که در آنها بازتابیده است، پژوهش‌هایی تازه و سودمند انجام دهند و راز جاودانگی آثار و نام‌آوری او را بگشایند و به نیازهای امروز حوزه سعدی‌شناسی و سعدی‌پژوهی پاسخی شایسته دهند.

### پی‌نوشت

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۱. کارنامه سعدی‌پژوهی سال‌های پیش از این را دکتر کاووس حسن‌لی بررسی کرده است که در کتابی با عنوان فرهنگ سعدی‌پژوهی (۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵) منتشر شده است.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر. ک به: سجادی، ضیاءالدین، ۱۳۵۴، «سیف فرغانی و سعدی». جشن‌نامه پروین. تهران: توس، و: صفا، ذبیح‌الله، «سعدی و سیف فرغانی». ایران‌نامه، سال سوم، ش ۴، تابستان ۱۳۶۴.

۳. برای نمونه: محلاتی، صدرالدین. «مکتب عرفان سعدی». مهر، سال یازدهم، شماره‌های ۱، ۵ و ۷: حاکمی، اسماعیل. «جلوه‌های عرفان در آثار منظوم سعدی». ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص: ۲۹۱-۳۰۲. نظری، جلیل. «سعدی و عرفان». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره هفتم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸ (پیاپی ۳۴)، صص: ۱۹-۳۶، و... .

- حسن‌لی، کاووس، ۱۳۷۹، «چهره‌سعدی در آینه‌های موجدار»، زبان و ادب، شماره ۱۱.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، «رستاخیز سخن در بوستان». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۴) (ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی).
- \_\_\_\_\_، اسفند ۱۳۷۸ و فروردین ۱۳۷۹، «سعدی‌پژوهی در سده چهارده هجری - بررسی انتقادی رویکردهای سده چهارده به سعدی و آثار او». کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۵ و ۶.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «سعدی در نگاه سخن‌سرایان». شعر، شماره ۴۷.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، «شگردهای هنری سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر ششم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، «حکایت چستی زیبایی درغزل‌های سعدی (بحثی در فلسفه‌ی هزار دیدگاه سعدی)». سعدی‌شناسی. دفتر سوم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، «سعدی، خردمندی عاشق یا عاشقی خردمند». سعدی‌شناسی. دفتر هفتم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، «مکتب ادبی شیراز و نقش سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر دوم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- سعدی شیرازی، ۱۳۷۷، گلستان سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ ششم، تهران: خوارزمی. ■
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، «عبدالعلی دستغیب با سعدی چه کرده است؟». عیار نقد در آینه یادنامه عبدالعلی دستغیب. به سعی محمد ولی‌زاده. چاپ اول، تهران: دانسترا.
- حمیدیان، سعید، ۱۳۸۴، «بازی نور و سایه در غزل سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر هشتم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، «دو سه نکته بر شروع سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر سوم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «سعدی و ترجمه‌ی فارسی به فارسی». سعدی‌شناسی. دفتر نهم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، «سعدی و سیف فرغانی: کامیابی و ناکامی». سعدی‌شناسی. دفتر ششم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، «سنت مدیحه‌پردازی ضمن غزل و اشاره‌ای به جایگاه سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر چهارم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، «غزل سعدی: عاشقانه یا عارفانه؟». سعدی‌شناسی. دفتر هفتم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- دادبه، اصغر، ۱۳۸۵، «ادیان در نگاه سعدی». سعدی‌شناسی. دفتر نهم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، «بوستان». سعدی‌شناسی. دفتر هشتم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، «حکایت تناقض‌گویی‌های سعدی».